

تاریخ ایران

پژوهش آکسفورد

ویراسته تورج دریایی

ترجمه شهربانو صارمی



فهرست

- سپاسگزاری ۹
- مؤلفان ۱۱
- پیشگفتار ۱۹
تورج دریایی
۱. فلات ایران از دوران پارینه‌سنگی تا ظهور شاهنشاهی هخامنشی ۳۱
کامیار عبدی
۲. ایلامیان ۵۷
دانیل تی. پاتز
۳. جامعه اوستایی ۷۹
پرودس آکتور شروو
۴. شاهنشاهی هخامنشی (۵۵۰-۳۳۰ ق.م) ۱۴۳
علیرضا شاپور شهبازی
۵. ایران در دوران اسکندر مقدونی و سلوکیان ۱۶۹
اوانجلوس ونتیس
۶. شاهنشاهی اشکانی ۱۹۵
ادوارت دومبرووا
۷. شاهنشاهی ساسانی (۲۲۴-۶۵۱ م) ۲۲۳
تورج دریایی
۸. ایران در آغاز دوره اسلامی ۲۴۷
مایکل جی. مورونی
۹. ایران در سده‌های میانه ۲۷۱
نگین یآوری
۱۰. مغول‌ها در ایران ۲۸۹
جورج ای. لین
۱۱. تیموریان و ترکمانان: گذار و شکوفایی در قرن پانزدهم م/نهم ه.ق ۳۲۱
علی انوشهر

۱۲. صفویان در تاریخ ایران (۱۵۰۱-۱۷۲۲ م/ ۹۰۵-۱۱۳۵ ه.ق)..... ۳۳۷
 کاترین بابایان
۱۳. حملهٔ افغان‌ها و برآمدن سلسله‌های زندیه و افشاریه (۱۷۲۲-۱۷۹۵ م/ ۱۱۳۴-۱۲۰۹ ه.ق) ۳۵۹
 کامران آقایی
۱۴. ایران در دوران قاجار (۱۷۹۶-۱۹۲۱ م/ ۱۲۱۰-۱۳۴۰ ه.ق)..... ۳۷۳
 منصوره اتحادیه نظام‌مافی
۱۵. عصر پهلوی: مدرنیزه شدن ایران در بستر جهانی..... ۴۰۳
 افشین متین‌عسگری
۱۶. ایران پس از انقلاب (۱۹۷۹-۲۰۰۹ م/ ۱۳۵۷-۱۳۸۸ ه.ش)..... ۴۲۵
 مازیار بهروز
- سلسله‌های حاکم بر ایران..... ۴۵۳
- نمایه..... ۴۶۵

فلات ایران از دوران پارینه‌سنگی تا ظهور شاهنشاهی هخامنشی

□ کامیار عبدی

نوشتن تاریخ باستان‌شناختی ایران از دیدگاه انسان‌شناسی نوعی چالش محسوب می‌شود. برخلاف بین‌النهرین یا مصر که فرهنگ‌های بومی کمابیش زنجیره‌وار در دره‌های رودخانه‌های نزدیک به هم رشد کرد، موقعیت طبیعی ناهموار ایران مانع اصلی توسعه اجتماعی-فرهنگی یکدست آن بود. کوهستان‌های مرتفع و بیابان‌های گسترده و نامساعد ایران را به چند حوزه زیست‌محیطی متمایز تقسیم می‌کند، هر یک با فرهنگ محلی و مسیر اجتماعی خاص خود که با گذشت زمان به شیوه‌ها و با آهنگ متفاوت تغییر می‌کنند. تنوع اجتماعی-فرهنگی را در ادوار کهن‌تر بیشتر می‌توان دید؛ در حالی که جنوب‌غرب ایران شاهد ظهور جوامع و دولت‌های پیچیده بود، در بخش‌هایی از شرق ایران تنها روستاها و شهرهای کوچک وجود داشت. بعدها، در عصر برنز، وقتی شرق ایران وارد دوران کوتاهی از شهرنشینی شد، در غرب و شمال‌غربی تنها چند شهر نسبتاً بزرگ وجود داشت و از قرار معلوم بیشتر مردم زندگی شبانی داشتند. به هر حال باید به خاطر داشته باشیم در یک قرن و نیمی که از پژوهش‌های باستان‌شناسی در ایران می‌گذرد، به بخش‌های مختلف کشور و پیشاتاریخ آن به یکسان توجه نشده است. در حالی که بخش‌های مهمی از غرب و جنوب ایران به صورتی نسبتاً فراگیر کندوکاو و بررسی شده، شرق و شمال ایران از لحاظ باستان‌شناختی تا حد زیادی دست‌نخورده باقی مانده است. میزان پژوهش‌های باستان‌شناختی ادوار مختلف نیز تا حد زیادی متفاوت است. مثلاً بررسی‌های انجام‌گرفته در مورد دوره پارینه‌سنگی در قیاس با دوره طولانی آن ناچیز است، اما به دوره نوسنگی به دلیل اهمیت آن در مقاله‌های باستان‌شناسی مهم توجه زیادی شده است، مانند آغاز تولید غذا و زندگی یکجانشینی. به دوره‌های اولیه و میانی مس نیز توجه درخور مبذول نشده، در حالی که دوران اولیه تشکیل دولت در اواخر عصر مس با جزئیات زیاد بررسی شده است.

بودند. طبقات استقرار سطوح پایینی پارینه‌سنگی جدید شامل اترافگاه‌های کوتاه‌مدت برای شکار-ماهیگیری گروه‌های متشکل از یک تا پنج نفر، و اترافگاه‌های کوچک‌تر یکی دوروزه برای یک تا سه نفر به منظور تهیه مواد خام بوده است.

در دوره پارینه‌سنگی جدید، صنعت ابزارهای سنگی حکایت از تنوع و تمایز بیشتر دارد. مشخصه پارینه‌سنگی جدید زاگرس ابزارهای سنگی معروف به برادوستی^۱ و زُرزی^۲ است. در مقایسه با صنعت ابزار موستری، برادوستی نشان‌دهنده افزایش تعداد نوع ابزارها و تأکید بیشتر روی تکنیک‌های ابزارسازی است. در حالی که ساخت برخی از انواع ابزارها مانند کنارتراش‌ها ادامه می‌یابد، انواع جدید مانند تپه‌ها و تپه‌های سنگی کوچک نیز پدیدار می‌شوند که نشانه تغییر نوع معیشت و استفاده بیشتر از منابع گیاهی است. صنعت بعدی ابزار معروف به زُرزی شاید حاصل تحول برادوستی باشد، اما گسست زمانی بین این دو نیز محتمل است. چرخش به سمت ابزارهای کوچک‌تر و اصلاح شده که در دوره قبل شروع شده بود با تولید ریزتپه‌ها و ریزسنگ‌های سنگی در زُرزی ادامه یافته است.

چنان‌که برآورد شده، دوره زُرزی ۲۰۰۰۰ سال ق.م شروع شده و احتمالاً حدود ۱۲۰۰۰ سال ق.م به پایان رسیده است، هرچند تنها چند محوطه تاریخدار برای تأیید این برآوردها وجود دارد. یکی از چند تاریخ دوران زُرزی از غار پاسنگر در دشت خرم‌آباد به دست آمده است و حکایت از اشغال این غار میان سال‌های ۱۵،۳۰۰ و ۱۵،۰۰۰ ق.م دارد، هم‌دوره محوطه‌های کبازیه^۳ در لوانت که زُرزی با آن‌ها برخی تشابهات گونه‌شناختی دارد. اواخر دوره، که کمابیش مطابق با پایان دوره پلیستوسن حول و حوش ۱۲۰۰۰ سال ق.م است، صنعت ابزارسازی روی ساخت ریزتپه تمرکز داشت، شواهدی نیز برای ابزارهای ترکیبی و دیگر انواع ابزار وجود دارد که در محوطه‌هایی مانند غار خیر، وراوسی و پناهگاه‌های سنگی پاسنگر شاید برای آسیاب دانه‌های وحشی به کار گرفته می‌شدند، که نشان‌دهنده تغییر تدریجی به سوی اقتصادی است که پیش از پیش به جمع‌آوری گیاهان خودرو وابسته می‌شد. استدلال می‌شود یک گسست زمانی و جابه‌جایی از ارتفاعات به مناطق پست‌تر در اواخر دوران پارینه‌سنگی (زُرزی) تا اوایل دوران نوسنگی (بدون سفال) در زاگرس وجود داشته است. در زاگرس بعد از زُرزی معادلی برای ناتوفیان لوانت شناخته نشده است. شاهد دیگر سلسله کوچکی از محوطه‌های نوسنگی پیش از سفال با نشانه‌های معماری است (بنگر به زیر). برخی از پژوهشگران استدلال می‌کنند گسست زمانی و انتقال به مناطق پست‌تر را می‌توان نتیجه تغییرات زیست‌محیطی منطقه دانست. این استدلال بر مبنای اطلاعات به‌دست‌آمده از گرده‌های گیاهی در ۱۳۰۰۰ تا ۱۱۰۰۰ ق.م است و حکایت از آن دارد که شرایط آب و هوایی درست قبل از بهتر شدن به صورتی چشمگیر خشک‌تر و یا سردتر شده است. متعاقب آن، ارتفاعات میانی زاگرس (۶۰۰ تا ۱۵۰۰ متر بالاتر

عصر برنز قدیم به بهترین نحو اختلاف پژوهش‌های باستان‌شناختی را نشان می‌دهد؛ هرچند دوران پیشایلامی در جنوب و شرق ایران محبوب پژوهشگران است، فرهنگ یاتیق^۴ هم‌زمان با آن در شمال ایران نادیده انگاشته شده است. همان‌طور که انتظار می‌رود پدیده شهرنشینی و مبادلات درون‌منطقه‌ای عصر برنز میانه بیشتر توجهات باستان‌شناختی را به خود جلب کرده است، اما در عصر برنز جدید و آهن قدیم به‌ندرت چیزی بیش از بقایای تدفینی بررسی شده است. عصر آهن جدید نیز تا حدی بررسی شده، که بیشتر به دلیل ظهور مدها و پارس‌ها بوده اما همان نیز چندان شناخته‌شده نیست.

از این رو عجیب نیست که دانش باستان‌شناسی ما از ایران از لحاظ زمانی و مکانی متفاوت است، واقعیتی که خوانندگان نیزین باید با خواندن این ارزیابی مختصر از تاریخ ایران دریابند.

عصر پارینه‌سنگی (حدود ۱،۰۰۰،۰۰۰ تا ۱۲،۰۰۰ ق.م):

جابه‌جایی شکارچیان و گردآورندگان

پژوهش درباره عصر پارینه‌سنگی ایران در آغاز راه خود است، اما موقعیت استراتژیک ایران در خاور نزدیک، و گستره‌های آبی در شمال و جنوب آن، نشان می‌دهد این منطقه تنها پل خشکی بوده که گروه‌های شکارچی-گردآور ادوار پارینه‌سنگی می‌توانستند در مهاجرت خود از آفریقا به جنوب‌شرق آسیا از آن عبور کرده باشند. هرچند شواهد مربوط به دوره پارینه‌سنگی قدیم/زیرین در ایران ناکافی، ناپیوسته و در مجموع نامطمئن است، کشف اخیر بقایای هومو ارکتوس^۵ در گرجستان و نیز بقایای فراوان از دوره پارینه‌سنگی قدیم در سرزمین‌های شرقی نوید پژوهش‌های پربار آینده را می‌دهد.

مناطق مسکون عصر پارینه‌سنگی میانه بیشتر در زاگرس، در محوطه غارها، معمولاً در مکان‌هایی کشف شده که مواد خام اولیه برای ساخت ابزارهای سنگی وجود دارند. ابزارهای سنگی عصر پارینه‌سنگی میانه که عموماً موستری^۶ نامیده می‌شوند عبارت‌اند از سرتیرهای سه‌گوش یکلبه و کنارتراش، که نشانه اقتصادی عمدتاً متکی بر شکار است. در واقع بررسی بقایای جانوری غار کوبه، غار خیر، و پناهگاه سنگی وراوسی در زاگرس مرکزی نشان می‌دهد مردمان عصر پارینه‌سنگی طیف وسیعی از شم‌داران از جمله برخی از پستانداران بزرگ را شکار می‌کرده‌اند.

الگوی استقرار پارینه‌سنگی جدید/زیرین در زاگرس نشان‌دهنده انتقال به فضای باز است و به نظر می‌رسد محوطه‌هایی برای طبقات اجتماعی متفاوت داشته، از جمله برخی محوطه‌های بزرگ که احتمالاً مسکن گروهی در حدود پنجاه نفر بوده است. از این گذشته، اترافگاه‌های کوچک‌تری وجود داشته برای خانواده‌هایی که حاصل گسست از گروه‌های بزرگ‌تر

1. Baradostian

2. Zarzi

3. Kebaran

1. Yanik

2. Homo erectus

3. Mousterian